

تعاون و کشاورزی، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۴

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اعضای تعاونی‌های تولیدی کشاورزی و مقایسه آن با تعاونی‌های تولیدی صنعتی در استان تهران

حمید انصاری^۱، مهران جورابلو^{۲*}، نصرالله پورافکاری^۳، سیدعلی هاشمیان فر^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

چکیده

هدف این تحقیق پیمایشی بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اعضای تعاونی‌های تولیدی کشاورزی و مقایسه آن با تعاونی‌های صنعتی در استان تهران است. به این منظور، داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته جمع‌آوری شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه اعضای تعاونی‌های استان تهران یعنی ۱۶۹۶۰ عضو بوده است. از میان این تعداد، ۴۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای برای پاسخ به پرسش‌نامه‌ها انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد که میزان مشارکت در تعاونی‌های تولیدی استان تهران با میانگین ۴۶٪ از ۱۰۰٪ در حد پایین است. در مقام مقایسه، مشارکت در تعاونی‌های صنعتی با میانگین ۵۲٪ بیشتر از مشارکت در تعاونی‌های کشاورزی با میانگین ۳۷٪ است. میزان مشارکت اعضا در تعاونی‌ها به ترتیب با متغیرهای سرمایه اجتماعی، باورهای مشترک، آگاهی از اصول تعاونی، میزان ذهنیت وابسته به دولت (دولت‌گرایی) اعضای تعاونی، سود دریافتی از تعاونی و پایگاه اجتماعی اعضای تعاونی همبستگی معنی‌دار دارد. در کل، متغیرهای مذکور قادرند ۳۹٪ تغییرات میزان مشارکت اعضای تعاونی‌های کشاورزی را پیش‌بینی کنند. گفتنی است از نظریه‌های مشارکت و سرمایه اجتماعی برای تبیین یافته‌ها استفاده شد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، سرمایه اجتماعی، تعاونی تولید کشاورزی، تعاونی تولید صنعتی، باورهای مشترک، آگاهی

۱. دانشیار گروه برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

۲. دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

E-mail: mjourablou@yahoo.com

* نویسنده مسئول

۳. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر

۴. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان

مقدمه

به لحاظ تاریخی، در مناسبات اقتصادی-اجتماعی ایران، شکل‌های سنتی همکاری‌های تعاونی، به ویژه در بخش کشاورزی، حضور پررنگی داشتند. از سال ۱۳۱۴ اولین اشکال تعاونی مدرن ایران در روستای داورآباد گرمسار شکل گرفت، ولی تا کنون بخش تعاون نتوانسته است جایگاه درخوری در اقتصاد و اجتماع ایران به دست آورد. در واقع، تعاون نتوانسته است عملاً به سامانه‌ای برای جلب مشارکت فعال مردمی در حوزه اقتصادی-اجتماعی بدل شود.

با توجه به این مهم که توسعه و رونق بخش کشاورزی هم به طور مستقیم در توسعه اقتصادی کشور تأثیر مثبت دارد و هم با کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ از مشکلات کلان شهرها می‌کاهد، اهمیت تعاونی‌های کشاورزی به عنوان بستری برای سامان دادن به مشارکت‌های مردمی در مسیر توسعه اقتصادی بیشتر روشن می‌شود. نظریه‌پردازان تعاون نیز گسترش تعاونی‌های کشاورزی را یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای کاهش فقر و توسعه مناطق روستایی می‌دانند؛ برای نمونه، کانتورو (Kuntoro, 2006) معتقد است که تعاونی‌ها فرصت‌هایی را به کشاورزان می‌دهند که واحدهای کوچک تجاری خود را بهبود بخشند. نادسون و همکاران (Knudson et al., 2004) نیز اعتقاد دارند باید توسعه محصولات نوآورانه و کسب و کار جدید در کشاورزی یک اولویت اساسی در سیاست‌گذاری‌ها باشد و ایجاد بازارهای جدید و روند رو به رشد نوآوری در محصولات نیز همین ضرورت را ایجاب می‌کند. بنابراین، با ایجاد و ارتقای تعاونی‌های تولیدی و افزایش مشارکت روستاییان در آن‌ها می‌توان در راستای توسعه و گسترش محصولات نوآورانه و کسب و کار جدید در روستاها، پیشبرد برنامه‌ای توسعه روستایی، اشتغال پایدار و کنترل مهاجرت اقدام کرد. لیکن موفقیت تعاونی‌های کشاورزی بستگی زیادی به میزان عمق مشارکت مردمی در آن‌ها دارد. مطالعات نشان از آن دارند که میزان مشارکت مردمی مهم‌ترین عامل موفقیت و پایداری تعاونی‌های کشاورزی است (Shufang & Leonard, 1998) و انصاری، ۱۳۸۳؛ پیش بین، ۱۳۹۱). همچنین این بررسی‌ها حاکی از آن هستند که میزان مشارکت در تعاونی‌های کشاورزی ایران کمتر از گذشته شده است.

صاحب‌نظران معتقدند تعاونی‌های کشاورزی ظرفیت‌های ارزشمندی برای رونق بخشیدن به بخش کشاورزی دارند. این تعاونی‌ها فرصت مناسبی برای مشارکت کشاورزان، همکاری آنان در زمینه‌های مختلف، انتقال تجربیات و آموزش شیوه‌ها و رویکردهای علمی در امر کشاورزی و بازاریابی به وجود می‌آورند. (بلک برن، ۱۳۸۰؛ شهبازی، ۱۳۸۱ و Roling, 2003). در ایران نیز تعاونی‌های کشاورزی فرصت‌های مناسبی برای همکاری، آموزش و رونق اقتصادی بخش کشاورزی به وجود آورده‌اند، اما پژوهش‌ها دلالت بر این دارند که موانع موجود بر سر راه مشارکت فعال کشاورزان در تعاونی‌های کشاورزی شکست یا رکود تعاونی‌های کشاورزی را به همراه داشته است. چنین وضعیتی این پرسش را مطرح می‌سازد که چه مانعی بر سر راه مشارکت مؤثر اعضای تعاونی‌ها و ایفای نقش مؤثرتر بخش تعاون در اقتصاد کشور وجود دارد؟ به عبارتی، چرا بخش تعاون نتوانسته است کانال مناسبی برای هدایت ظرفیت‌های اجتماعی و مشارکت مردم در طرح توسعه اجتماعی - اقتصادی فراهم نماید؟ این پرسش وقتی برجسته می‌شود که به این واقعیت توجه شود که با وجود اهتمام دولت به توسعه بخش کشاورزی، تأکید بر رونق تعاونی‌های کشاورزی، وجود ظرفیت‌های بالقوه در کشاورزی کشور و وجود زمینه‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری در این بخش، عملاً مشارکت اعضای تعاونی‌های کشاورزی از سطح عضویت ساده و مشارکت انفعالی فراتر نمی‌رود، در حالی که به دلیل ماهیت مردمی تعاونی‌ها، توسعه تعاونی‌ها بدون مشارکت فعالانه اعضای آن‌ها میسر نمی‌باشد.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، مقاله حاضر به دنبال بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اعضای تعاونی‌های کشاورزی و مقایسه آن با اعضای تعاونی‌های صنعتی است.

با الهام از مبانی نظری و تجربی (برای نمونه: Bhuyan, 1998؛ John et al., 2001؛ Scrimgeour, 2006 و آذری و همکاران، ۱۳۸۸؛ نکویی نائینی و همکاران، ۱۳۸۸)، در این مقاله نقش عواملی همچون سرمایه اجتماعی، باورهای مشترک، آگاهی، سود دریافتی، پایگاه اجتماعی و برخی متغیرهای زمینه‌ای بررسی شده است. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال بررسی

این پرسش است که هر کدام از عوامل مطرح شده به چه میزان و با چه سازوکاری با مشارکت اعضا در تعاونی‌های کشاورزی مرتبط و بر آن اثرگذارند؟ همچنین از این نظر، وضعیت تعاونی‌های کشاورزی در مقایسه با تعاونی‌های صنعتی چگونه است؟

مبانی نظری و مفاهیم

در مبانی نظری، ابتدا مفاهیم اصلی و سپس مهم‌ترین دلالت‌های نظری به کار رفته ارائه و شرح داده شده است.

تعاونی: در اغلب تمدن‌ها و جوامع قدیمی و سنتی می‌توان اشکالی از همکاری‌های تعاونی و گروه‌های یاریگری را پیدا نمود که تا حدودی به تعاونی‌های امروزی شبیه هستند. در جامعه سنتی ایران نیز می‌توان اشکال سازمان‌یافته‌ای از همکاری‌های تعاونی به‌ویژه در روستاها را مشاهده کرد (کلباسی، ۱۳۶۸).

تعاریف متعددی از تعاونی ارائه شده است که با وجود اختلافات، نقاط مشترک زیادی در بین آن‌ها وجود دارد. بیرچال در کتاب «تعاونی و اهداف توسعه هزاره سوم»، تعاونی‌ها را اساساً سازمان‌های عضومحور می‌داند که نوع متمایزی از سازمان با حقوق ویژه خود هستند. به نظر وی، در تاریخ تکامل سازمان‌های مدرن، تعاونی‌ها حداقل دارای قدمتی معادل سایرین بوده و به لحاظ قانونی نیز تفاوتی با بقیه سازمان‌ها ندارند (بیرچال، ۱۳۷۸).

مشارکت: به طور کلی، "مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند" (نوذریور، ۱۳۸۰). در این تعریف، سه جزء مهم وجود دارد: درگیر شدن، یاری دادن و مسئولیت.

در ادامه، خلاصه‌ای از مهم‌ترین قالب‌های نظری موجود در زمینه مشارکت، که در این مقاله از دلالت‌های آن‌ها استفاده شده است، ارائه می‌شود.

نظریه انتخاب عقلانی: نظریه انتخاب عقلانی^۱، که داونز و اولسون^۲ آن را مطرح کردند، انگیزه‌های اقتصادی را مورد تأکید قرار می‌دهد. داونز یک فرد محاسبه‌گر عقلانی را مطرح می‌سازد که می‌کوشد هزینه‌ها را به حداقل و منافع را به حداکثر برساند. اولسن نیز استدلال می‌کند که نفع شخصی عقلانی، فرد را وادار به تحلیل هزینه - فایده مشارکت در گروه یا عمل جمعی می‌کند و یادآور می‌شود که منفعی که از عمل گروهی به دست می‌آید، لزوماً فقط در دسترس اعضای گروه نیست (راش، ۱۳۷۷).

نظریه تعاملی: این نظریه مشارکت را در کنش‌های متقابل افراد جستجو می‌کند و به عواملی مثل عضویت در گروه، درگیری و نقش‌پذیری توجه می‌کند (شایان مهر، ۱۳۷۷). تأکید مهم نظریه تعاملی بر جامعه‌پذیری در جریان تعامل فرد با دیگران به یادگیری ارزش‌هایی همچون روحیه همکاری، عام‌گرایی و کارجمعی کمک می‌کند که پایه‌های اجتماعی تعاونی هستند.

نظریه سرمایه اجتماعی: از نظر کلمن (۱۳۷۷)، سرمایه اجتماعی دارای دو جزء اساسی به نام پیوند و اعتماد است که می‌تواند شامل منابع و امکانات اجتماعی باشد (شارع‌پور، ۱۳۸۶). منظور از پیوند، ارتباطات و بستگی‌های فرد با افراد، گروه‌ها و درگیری در شبکه‌های مختلف اجتماعی است. اعتماد نیز نشان‌دهنده اطمینان به هنجارهای کنش در روابط اجتماعی است. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با فراهم آوردن زمینه‌های کنش اجتماعی فرد، موجب تسهیل مشارکت اجتماعی وی می‌شوند.

برخی از صاحب‌نظران معتقدند که زیباترین جلوه سرمایه اجتماعی در فعالیت‌های تعاونی قابل مشاهده است (اطهری و علی بیگی، ۱۳۸۹). اونیو و جونز (Onyewu & Jones, 2003) بر این باورند که کم‌رنگ شدن ارزش‌های تعاونی بیشتر به دلیل کاهش سرمایه اجتماعی است، زیرا سرمایه اجتماعی به تسهیل مشارکت اعضا در تعاونی، دریافت و ارائه اطلاعات، عضویت

-
1. Rational Choice Theory
 2. Downs & Olson

طولانی‌تر، پذیرش مسئولیت، نظارت، تعهد و درگیری بیشتر منجر می‌شود (ضیائی و همکاران، ۱۳۹۰).

دولت و تعاونی: یکی از اصول مهم تعاون استقلال آن از دولت است؛ به عبارتی، تعاونی، بیشتر یک تشکل مدنی است و در جامعه مدنی ریشه دارد. نبود جامعه مدنی قدرتمند موجب وابستگی تعاونی به دولت و بسط تصدی‌گری دولتی در آن می‌شود. از سوی دیگر، وجود روحیه دولت‌گرایی بالا یا ذهنیت وابسته به دولت، عدم استقلال تشکل‌های حرفه‌ای و اصناف از دولت و تشکیل تعاونی‌های اولیه با فرمان دولتی، از مهم‌ترین عوامل شکست تعاونی‌ها بوده‌اند. حاکمیت ذهنیت وابسته به دولت به ویژه در بین روستاییان، فرصت مناسبی برای دخالت کارشناسی نشده دولت در بخش تعاون به وجود آورده که این خود به تضعیف خودیاری و مشارکت مردمی در تعاونی‌ها منجر شده و شرکت‌های تعاونی را به دریافت کننده صرف اعتبارات و کمک‌های دولتی تبدیل کرده است.

مروری بر پژوهش‌های پیشین

انصاری (۱۳۸۱) در پژوهش موردی خود بر تعاونی کشاورزی شباهنگ در شهریار - که با تکیه بر ترکیبی از روش‌های اسنادی و میدانی انجام شد - پس از مطالعه عمیق به این نتیجه رسید که مشارکت فعال اعضا از مهم‌ترین عوامل موفقیت این تعاونی بوده است. وی متوجه شد عواملی مثل توجه به نیازهای جامعه محلی کشاورزان، توانایی مدیران، پویایی سازمانی، و منظم و مشخص بودن فعالیت‌ها در جلب مشارکت افراد مؤثر بوده‌اند.

ساریخانی و طه (۱۳۸۲) در بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تعاونی‌های روستایی استان کرمانشاه به این نتیجه رسیدند که مشارکت زنان در تعاونی‌ها بیشتر در زمینه‌های اقتصادی است. عواملی مثل سن، دریافت سود بیشتر، پایگاه اجتماعی، آگاهی و سرمایه‌گذاری افزون‌تر به مشارکت بیشتر زنان منجر می‌شود.

صبوری (۱۳۸۴) نشان داد که تعاونی‌ها نقش مهمی در گسترش دانش و اطلاعات کشاورزی در مناطق روستایی از طریق برانگیختن همیاری و مشارکت بین افراد محلی و استفاده حداکثری از امکانات محلی دارند.

غیاثوند غیائی (۱۳۹۰) در بررسی موانع توسعه اشتغال در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی در ۶ منطقه کشور با نمونه آماری ۳۰۰ نفری به این نتیجه رسید که ۷ عامل زیربنایی در عدم توسعه اشتغال در بخش تعاون عبارت‌اند از: مشکلات اطلاع‌رسانی، مشکلات مالی، ساختار نامناسب، ضعف بازاریابی و فروش، مسائل مدیریتی و محدودیت‌های قانونی.

رحمانی فیروزجاه و سهرابی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که تعاونی‌های کشاورزی نقش مهمی در تشکیل و تقویت سرمایه اجتماعی در بین روستاییان استان مازندران دارند. باور به اصول و ارزش‌های تعاون موجب تقویت سرمایه اجتماعی و مشارکت بیشتر اعضا در امور تعاونی می‌شود.

طلایی (۱۳۹۱) در پژوهشی نتیجه گرفت تعاونی‌ها بستر مناسبی برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات در بین کشاورزان به وجود می‌آورند و تعاونی‌هایی که به مشارکت در زمینه دانش و آموزش توجه دارند موفق‌ترند.

جان و همکاران (Johen et al. 2001) سه اصل سود و خدمات بهتر، آزادی عضویت و رعایت انصاف و عدالت را از اصول مهم و مؤثر در موفقیت تعاونی‌ها ارزیابی کردند. با توجه به اینکه این سه عامل از عوامل مؤثر در افزایش مشارکت افراد به حساب می‌آیند، می‌توان از آن‌ها در تبیین مشارکت در تعاونی‌های تولیدی نیز سود برد.

کارلو و همکارانش (Carlo et al., 2000) عواملی از قبیل روحیه فردگرایی، عدم همکاری اعضا، نبود مسئولیت در اعضا، ناآگاهی اعضا، غفلت از اصول تعاون و غیره را از عوامل اصلی رکود و مشارکت پایین در تعاونی‌ها ذکر کرده‌اند. بویان (Bhuyan, 2000) نیز عدم پایبندی

اعضا به تعاونی را موانع اصلی توسعه تعاونی‌ها دانسته است. در مطالعه‌ای دیگر، بویان (Bhuyan, 1998) پیروی از اصول اساسی تعاون را عامل مؤثر در موفقیت تعاونی ذکر کرده است. اسکریمزور و همکاران (Scrimgeour et al., 2006) معتقدند که عوامل کلی و اساسی مؤثر بر موفقیت شرکت‌های تعاونی کشاورزی در مشارکت بیشتر اعضا عبارت‌اند از: عوامل دولتی، عوامل تجاری، عوامل فنی، عوامل ادراکی و عوامل اجتماعی. در میان عوامل اجتماعی متغیرهای اصلی هنجارها و انتظارات اجتماعی، تعاملات اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی بر موفقیت و عملکرد شرکت‌های کشاورزی اثرگذار بودند.

کروز و هندفیلد (Krause & Handfield, 2006) در بررسی تعیین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اثرگذار بر عملکرد شرکت‌های آمریکایی، سرمایه شناختی (آگاهی اجتماعی)، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و افزایش تعاملات اجتماعی را بر بهبود عملکرد (بهبود درآمد، کیفیت فعالیت و ارائه محصول و پیچیدگی کار) شرکت‌ها اثربخش معرفی دانسته‌اند.

مطالعات تجربی با الهام گرفتن از اندیشه‌های تعاون و نظریه‌های مشارکت به صورت تجربی دریافته‌اند که مشارکت در تعاونی‌ها به عوامل متعددی بستگی دارد. در این بین، نقش عوامل اجتماعی - فرهنگی انکارناپذیر است. عوامل اجتماعی، به ویژه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و وجود ارزش‌های همپارانه، به مشارکت بیشتر و در نتیجه رونق تعاونی‌ها می‌انجامد. در کل، موفقیت تعاونی‌ها در اغلب جوامع بستگی به موفقیت آن‌ها در برقراری پیوندهای مستحکم با اجتماع محلی و استفاده از سرمایه و منابع اجتماع محلی برای رونق بخشیدن به مشارکت دارد.

روش تحقیق

مطالعه حاضر از نوع مطالعات مقطعی است. با توجه به ماهیت متغیرها و اهداف تحقیق، روش انتخابی تحقیق برای سنجش میزان ارتباط موجود بین متغیرهای مستقل و وابسته (مشارکت در تعاونی‌های کشاورزی)، روش پیمایش است که با هدف توصیف و تبیین رابطه مذکور و تعمیم

یافته‌های تحقیق با سطح اطمینان بالا اجرا می‌شود. واحد مشاهده و تحلیل در این تحقیق هر یک از اعضای تعاونی‌های مورد مطالعه هستند که به عنوان نمونه انتخاب می‌شوند. ابزار گردآوری داده در این تحقیق پرسش‌نامه محقق ساخته است که برای تأیید روایی آن، پس از مطابقت شاخص‌ها با نظریه‌ها و شاخص‌های موجود، از نظر استادان و کارشناسان و برای تأیید پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ برای هر یک از شاخص‌ها استفاده شد.

جامعه آماری تحقیق

جامعه آماری این تحقیق ۱۶۹۶۰ نفر است که در ۸۱۰ تعاونی تولیدی استان تهران عضویت دارند. از این تعداد، ۳۹۵ تعاونی کشاورزی (فعال و نیمه فعال) و ۴۱۵ تعاونی صنعتی (فعال و تقریباً فعال) هستند. تعاونی‌های تولیدی کشاورزی در مجموع ۷۷۹۰ عضو دارند که ۴۶٪ جامعه آماری را شامل می‌شوند. تعاونی‌های تولیدی صنعتی ۹۱۷۰ عضو دارند که ۵۴٪ جامعه آماری را شامل می‌شوند. با استفاده از فرمول کوکران برای جمعیت بزرگ تعداد نمونه تحقیق ۳۸۳ نفر برآورد شد ولی با پیش بینی احتمال ریزش بالای نمونه و پراکندگی جغرافیایی، در حدود ۵ درصد به این تعداد اضافه شد تا نمونه اصلی به ۴۰۰ نفر برسد. برای نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد به این ترتیب که ابتدا از بین ۱۵ شهرستان استان تهران ۱۰ شهرستان (دو سوم استان) و در مرحله بعد از هر شهرستان دو تعاونی یعنی در مجموع ۲۰ تعاونی برای نمونه‌گیری انتخاب شدند که شامل ۱۰ تعاونی کشاورزی و ۱۰ تعاونی صنعتی بودند. در مرحله بعد، با رعایت منطق نمونه‌گیری متناسب با حجم، از هر یک از تعاونی‌های برگزیده هر شهرستان، با رعایت سهم شهرستان در جامعه آماری، اعضای نمونه انتخاب شدند. تعاونی‌های گروه کشاورزی از نظر گرایش عبارت بودند از: گیاهان دارویی، زراعت، پرورش گل و گیاه، زنبورداری، باغداری، زراعت، مرغداری و جوجه‌کشی، پرورش ماهی، مرتعداری، و خوراک دام و طیور.

تعاونی‌های گروه صنعتی از نظر گرایش عبارت بودند از: صنایع فلزی، صنایع ماشین سازی، صنایع شیمیایی و سلولزی، صنایع دستی و فرش، صنایع پوشاک، صنایع ساختمانی و عمرانی، صنایع معدنی (تولید شن و ماسه) و صنایع غذایی.

تعریف متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر وابسته (میزان مشارکت اعضای تعاونی)

در هر مشارکتی سه عنصر اصلی درگیر شدن، یاری‌دادن و مسئولیت وجود دارد (نوذریور، ۱۳۸۰). در این تحقیق، مشارکت در تعاونی در دو بُعد ذهنی (گرایشی) و عینی (رفتاری) تعریف شده است.

بعد ذهنی (گرایشی): این بعد به روحیه مشارکتی، احساس تأثیرگذاری، آمادگی و علاقه‌مندی فرد به مشارکت توجه دارد. شاخص بعد ذهنی از ۷ گویه در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم، کاملاً موافقم) تشکیل شده است. بیشترین نمره در این شاخص ۳۵ و کمترین ۷ است (گویه‌های ۱ تا ۷ جدول ۱). میزان ضریب آلفای کرونباخ برای پایایی این شاخص ۰/۷۰ بوده است.

بعد عینی (رفتاری): بر سطح مشارکت فرد که قابل مشاهده است ناظر می‌باشد. در این تحقیق، برای کمی‌سازی بُعد رفتاری مشارکت اعضا در تعاونی، از مؤلفه‌های خاص استفاده شده است که عبارت‌اند از: تعداد سهام عضو، تعداد جلساتی که عضو شرکت کرده است، تعداد مسئولیت‌هایی که عضو پذیرفته است، تعداد کارهای اجرایی و تعداد پیشنهادات و تذکراتی که عضو داده است. میزان ضریب آلفای کرونباخ برای پایایی این شاخص ۰/۸۷ بوده است.

مجموع نمره پاسخگو در شاخص‌های ذهنی و عینی نشان دهنده نمره مشارکت وی در تعاونی است. میزان ضریب آلفای کرونباخ برای پایایی شاخص کلی مشارکت ۰/۸۲ بوده است.

جدول ۱. گویه‌ها شاخص‌های هر یک از متغیرهای تحقیق

ردیف	گویه‌ها	ابعاد
۱	علاقه مندم در گردهمایی‌ها و جلسات تعاونی شرکت کنم.	بند ذهنی مشارکت در تعاونی‌ها
۲	مایلم هستم مسئولیت‌هایی مثل (هیئت مدیره، مدیرعامل و یا بازرس) را بپذیریم.	
۳	تمایل چندانی به پذیرش فعالیت‌های اجرایی تعاونی ندارم.	
۴	این تعاونی بدون حضور من هم پیشرفت خواهد کرد.	
۵	به نظارت بر فرایند مدیریت تعاونی علاقه دارم.	
۶	به پیشنهاد دادن، تذکر دادن و مشاوره دادن در امور مختلف تعاونی علاقه مندم.	
۷	معتقدم اگر من در این تعاونی نباشم بسیاری از کارها زمین می‌ماند.	
۸	باید فرصتی پیش بیاید که همه اعضای تعاونی در مدیریت تعاونی تأثیر بگذارند.	شاخص باورهای مشترک اعضای تعاونی
۹	معتقدم که همه اعضا در مدیریت تعاونی باید حضوری فعال داشته باشند.	
۱۰	همه اعضا باید در نظارت و کنترل تعاونی دخالت فعال داشته باشند.	
۱۱	دخالت همه اعضا در کارها باعث ایجاد اختلاف و انجام نشدن صحیح امور می‌شود.	
۱۲	معتقدم سرمایه و منابع لازم برای فعالیت تعاونی باید توسط خود اعضا تأمین شود.	
۱۳	به مدیریت تعاونی اعتماد دارم.	گویه‌های شاخص سرمایه اجتماعی
۱۴	اطمینان دارم که مقررات در این تعاونی رعایت می‌شوند.	
۱۵	به تصمیم‌هایی که هیئت مدیره می‌گیرند اطمینان ندارم.	
۱۶	به کارکنان این تعاونی اطمینان دارم.	
۱۷	اعتماد کردن به افراد در این تعاونی آسان نیست.	
۱۸	من روابط صمیمانه‌ای با مدیرعامل تعاونی دارم.	
۱۹	با اغلب کارکنان این تعاونی دوست هستم.	
۲۰	اگر مشکلی داشته باشم می‌توانم از کارکنان این تعاونی تقاضای کمک کنم.	
۲۱	هیئت مدیره از مشکلات کارکنان و اعضای تعاونی اطلاع ندارد.	
۲۲	تعاونی‌ها به حمایت و نظارت دولت وابسته هستند.	گویه‌های شاخص استقلال تعاونی از دولت
۲۳	روی هم رفته، تعاونی‌هایی که زیر نظر وزارت تعاون اداره می‌شوند موفق‌ترینند.	
۲۴	تعاونی‌های موفق از تسهیلات دولتی بیشتری استفاده کرده‌اند.	
۲۵	تعاونی باید با برنامه‌های اقتصادی دولت هماهنگ شود.	
۲۶	تعاونی باید از کمک‌های فنی و اعتباری وزارت تعاون بهره‌مند شود.	

متغیرهای مستقل

سرمایه اجتماعی: در این تحقیق، سرمایه اجتماعی با تکیه بر مهم‌ترین مؤلفه‌های آن یعنی اعتماد و روابط اجتماعی درون تعاونی تعریف عملیاتی و سنجیده شده است. شاخص اعتماد از نشان‌گرهای اعتماد به تعاونی، مقررات و تصمیم‌گیری‌ها و در نهایت اعتماد به افرادی که عضو با آن‌ها در تماس رودرست تشکیل شده است. روابط اجتماعی عضو با دیگر اعضای تعاونی مؤلفه دوم سرمایه اجتماعی است. شاخص سرمایه اجتماعی از ۹ گویه در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای یادشده تشکیل گردیده که طبعاً بیشترین نمره در آن ۴۵ و کمترین ۹ است (گویه‌های ۱۳ تا ۲۱ جدول ۱). میزان آلفای کرونباخ برای پایایی این شاخص ۰/۸۳ بوده است.

باورهای مشترک: در این تحقیق، برای تعریف عملیاتی و سنجش باورهای مشترک، به اصول و اهداف تشکیل تعاونی با توجه به وضعیت اجتماعی جامعه توجه شده است که به این منظور، گویه‌های مرتبط با موضوعات باور به کار جمعی و گروهی، تأمین منابع لازم به صورت مشترک، باور به نظارت مشترک و باور به مدیریت جمعی مطرح شدند. برای سنجش این مفهوم از شاخصی در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای با ۵ گویه (گویه‌های ۸ تا ۱۲ جدول ۱) استفاده شده است که بیشترین نمره در آن ۲۵ و کمترین ۵ است. میزان آلفای کرونباخ برای پایایی این شاخص ۰/۷۵ بوده است.

میزان آگاهی از اصول تعاون: مهم‌ترین اصول تعاون عبارت‌اند از: عضویت اختیاری، کنترل دموکراتیک، پرداخت سود محدود به سرمایه، توزیع سود برگشتی در بین اعضا به نسبت معاملات، بی‌طرفی سیاسی و مذهبی، فروش نقدی محصولات، عدم قبول وکالت در رأی‌گیری مجامع عمومی و آموزش مداوم اعضا. برای سنجش میزان آگاهی فرد از اصول تعاونی از وی خواسته شد تا ۷ مورد از اصول تعاون را نام ببرند، سپس به هر مورد یک امتیاز داده شد که حداکثر آن ۷ به معنی آگاهی بیشتر از اصول تعاون و حداقل آن ۰ به معنی آگاهی کمتر از اصول تعاون است.

ذهنیت وابسته به دولت: این مفهوم به معنی وابستگی ذهنی اعضای تعاونی به دولت در تصمیم‌گیری‌های مختلف تعاونی است که در این تحقیق بر اساس ذهنیت حاکم در بین اعضای تعاونی در مورد میزان وابستگی به سازمان‌های دولتی بررسی شده است. برای سنجش این شاخص از طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای یاد شده با ۵ گویه (گویه‌های ۲۲ تا ۲۶ جدول ۱) استفاده شد که بیشترین نمره در آن ۲۵ و کمترین ۵ است. میزان ضریب آلفای کرونباخ برای پایایی این شاخص ۰/۷۳ به دست آمد.

میزان سود دریافتی از تعاونی: یکی از اصول تعاون توزیع عادلانه سود برگشتی از فعالیت‌های اقتصادی تعاونی در بین اعضای تعاونی است. تقسیم عادلانه سود نقش مهمی در افزایش مشارکت در تعاونی دارد (John et al., 2001). برای اطلاع از میزان سود از پاسخگویان خواسته شد سود دریافتی خود از تعاونی در سال گذشته را بر حسب تومان در پاسخنامه در محل مخصوص بنویسند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی متغیرهای زمینه‌های

میانگین سنی پاسخگویان تعاونی‌های کشاورزی ۴۶ سال بوده و اکثر آن‌ها بین ۳۰ تا ۵۰ سال سن داشتند. از نظر پایگاه اجتماعی، که از ۴ مؤلفه مدرک تحصیلی، مسکن، منزلت شغلی، و درآمد تشکیل شده بود، نزدیک به ۵۹/۲٪ از پاسخگویان تعاونی‌های کشاورزی از پایگاه اجتماعی متوسط، ۱۸٪ از پایگاه اجتماعی بالا و ۲۰/۳٪ از پایگاه اجتماعی پایین برخوردار بودند.

میانگین سنی پاسخگویان تعاونی‌های صنعتی ۴۴ سال و اکثر آن‌ها بین ۳۰ تا ۵۰ سال داشتند. از نظر پایگاه اجتماعی (متشکل از ۴ مؤلفه پیش گفته)، نزدیک به ۵۱/۲٪ از پاسخگویان تعاونی‌های صنعتی از پایگاه اجتماعی متوسط، ۹٪ از پایگاه اجتماعی بالا و ۳۹/۳٪ از پایگاه اجتماعی پایین برخوردار بودند.

یافته‌های توصیفی متغیرهای اصلی تحقیق

برای توصیف متغیرهای اصلی تحقیق از آماره میانگین و انحراف استاندارد استفاده شد. میانگین‌ها برای مقایسه بهتر به شاخصی استاندارد از صفر تا صد تبدیل شدند (جدول‌های ۲ و ۳).

جدول ۲. توصیف آماری متغیرهای اصلی تحقیق برای تعاونی‌های کشاورزی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	درصد توزیع نسبی پاسخگویان		
			بالا	متوسط	پایین
میزان مشارکت اعضا	۳۷	۹/۴۵	۱۴	۵۱	۳۵
سرمایه اجتماعی	۶۲	۶	۳۱	۵۵	۱۴
باورهای مشترک	۶۵	۳	۴۱	۴۷	۱۱
آگاهی از اصول تعاون	۱۶	۱/۶	۵	۱۹	۷۶
ذهنیت وابسته به دولت	۶۴	۴/۲	۲۸	۵۵	۱۶
سود دریافتی از تعاونی	۹	۲	۶	۶	۸۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۳. توصیف آماری متغیرهای اصلی تحقیق برای تعاونی‌های صنعتی

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	درصد توزیع نسبی پاسخگویان		
			بالا	متوسط	پایین
میزان مشارکت اعضا	۵۲	۱۱/۶	۲۸	۵۲	۲۰
سرمایه اجتماعی	۶۶	۶/۴	۵۱	۴۲	۷
باورهای مشترک	۶۸/۵	۴	۴۵	۴۷	۸
آگاهی از اصول تعاون	۲۵	۱/۸	۷	۲۶	۶۷
ذهنیت وابسته به دولت	۵۷/۵	۴/۵	۲۵	۵۸	۱۷
سود دریافتی از تعاونی	۱۲	۱/۲۰	۹	۶	۸۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

توصیف متغیرهای اصلی برای تعاونی‌ها حاکی از آن است که در بین متغیرهای مذکور به طور کلی، پاسخگویان در متغیرهای باورهای مشترک، سرمایه اجتماعی و ذهنیت وابسته به دولت در سطح بالاتر از متوسط؛ در متغیر میزان مشارکت اعضا در سطح متوسط و در متغیرهای آگاهی از اصول تعاون و سود دریافتی در سطح پایین قرار دارند. مقایسه متغیرهای اصلی تعاونی‌های کشاورزی با صنعتی (جدول‌های ۲ و ۳) نشان از آن دارد که تعاونی‌های صنعتی به لحاظ شاخص‌های مورد نظر وضعیت بهتری نسبت به تعاونی‌های کشاورزی دارند.

یافته‌های روابط دو متغیره

برای بررسی روابط فرض شده در سطح دو متغیره از آزمون همبستگی دومتغیره (پیرسون) استفاده شد (جدول ۴). برپایه نتایج جدول ۴، مشارکت در تعاونی‌های کشاورزی به ترتیب با متغیرهای سرمایه اجتماعی، ذهنیت وابسته به دولت، باورهای مشترک، پایگاه اجتماعی، آگاهی از اصول تعاونی و سود دریافتی از تعاونی همبستگی دارد. همبستگی همه متغیرها (به جز ذهنیت وابسته به دولت) با مشارکت در تعاونی مثبت است؛ یعنی، افزایش در میزان آن‌ها موجب افزایش معنی دار مشارکت می‌شود. ولی همبستگی ذهنیت وابسته به دولت با میزان مشارکت اعضای تعاونی منفی است؛ یعنی، افزایش در میزان این متغیر موجب کاهش معنی دار در میزان مشارکت اعضای تعاونی می‌شود. مقادیر ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل با میزان مشارکت در دو گروه تعاونی (کشاورزی و صنعت) تقریباً برابر است. در تعاونی‌های صنعتی، همبستگی پایگاه اجتماعی با مشارکت بیشتر است و در تعاونی‌های کشاورزی همبستگی ذهنیت وابسته به دولت با مشارکت بیشتر از تعاونی‌های صنعتی است.

جدول ۴. نتایج آزمون همبستگی میزان مشارکت در تعاونی با متغیرهای مستقل

متغیر مستقل	مقدار ضریب همبستگی (r)		احتمال (p)
	گروه کشاورزی	گروه صنعت	
سرمایه اجتماعی	۰/۳۷	۰/۳۸	۰/۰۱
باورهای مشترک	۰/۳۲	۰/۳۱	۰/۰۱
آگاهی از اصول تعاون	۰/۲۰	۰/۲۲	۰/۰۱
ذهنیت وابسته به دولت	۰/۳۴	۰/۲۷	۰/۰۱
سود دریافتی	۰/۱۹	۰/۲۳	۰/۰۱
پایگاه اجتماعی	۰/۲۲	۰/۳۸	۰/۰۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها (جدول ۵) نشان داد که تفاوت آماری معنی‌داری بین میانگین مشارکت اعضا در تعاونی برحسب نوع تعاونی (کشاورزی یا صنعتی) وجود دارد ($P < 0/01$; $t = 10/8$)؛ یعنی، میزان مشارکت اعضای تعاونی‌های کشاورزی و صنعتی در امور تعاونی با هم تفاوت دارد، بدین صورت که میانگین مشارکت اعضای تعاونی‌های صنعتی ($M = 51/76$; $SD = 11/70$) بیشتر از تعاونی‌های کشاورزی ($M = 37/8$; $SD = 9/45$) است. با توجه به سطح معنی‌داری، این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار است و مقدار اتا ($0/48$) نشان می‌دهد که اختلاف مشاهده شده شدت بالایی دارد.

جدول ۵. آزمون مقایسه میانگین متغیر مشارکت اعضای تعاونی‌های کشاورزی با صنعتی

مقدار اتا	t.test		آماره‌های توصیفی		
	مقدار t	معنی‌داری	میانگین	تعداد	گروه‌ها (نوع تعاونی)
۰/۴۸	۱۰/۸	۰/۰۱	۳۷/۸	۱۸۵	کشاورزی
			۵۱/۷۶	۲۱۵	صنعتی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تحلیل رگرسیون چند گانه

برای بررسی روابط متغیرهای مستقل با وابسته (چند متغیره) از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان^۱ استفاده شد. نتایج آزمون رگرسیون در جدول‌های ۶ و ۷ گزارش شده است.

جدول ۶. مشخص‌کننده‌های کلی تحلیل رگرسیون چندگانه

معنی داری مدل	F مقدار	خطای	ضریب تعیین	ضریب	ضریب همبستگی	نوع تعاونی
Sig.		استاندارد	تعدیل شده	تعیین	چندگانه	تولیدی
۰/۰۰۱	۱۸	۷/۴۵	۰/۳۹	۰/۴۱	۰/۶۴	کشاورزی
۰/۰۰۱	۲۶	۸/۱۶	۰/۳۵	۰/۳۸	۰/۶۰	صنعتی

مأخذ: یافته‌های تحقیقی

جدول ۷. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه

مقادیر گروه کشاورزی			مقادیر گروه صنعت			مدل
(p)	t	مقدار بتا	(p)	t	مقدار بتا	
۰/۳	۱/۰۵	-	۰/۲۶	۱/۰۸	-	عدد ثابت
۰/۰۱	۶/۲۵	۰/۴۲۲	۰/۰۱	۵/۹	۰/۳۵	سرمایه اجتماعی
۰/۰۱	۴/۵۱	-۰/۲۴۶	۰/۱۷	۱/۴	-۰/۰۹	ذهنیت وابسته به دولت
۰/۰۱	۳/۸	۰/۲۴۹	۰/۰۱	۳/۵	۰/۲۱	باورهای مشترک
۰/۰۱	۲/۴۵	۰/۱۶۰	۰/۰۱۶	۲/۵	۰/۱۴۲	سود دریافتی از تعاونی
۰/۰۱	۲	۰/۱۲۱	۰/۰۱	۵/۴	۰/۳۲۵	پایگاه اجتماعی
۰/۴۸	۰/۹۷	۰/۰۵	۰/۳۲	۱/۰۲	۰/۰۷	آگاهی از اصول تعاونی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مؤلفه‌های کلی آزمون رگرسیون نشان از برازش بالای مدل دارند بدین معنی که مجموع متغیرهای مستقل وارد شده در مدل توانسته‌اند تبیین مناسبی از پراکندگی مشارکت در تعاونی‌های کشاورزی و صنعتی ارائه دهند. در تعاونی‌های کشاورزی مقدار ضریب همبستگی چندگانه برای

1. Enter

رابطه همه متغیرهای مستقل با مشارکت بیشتر از ۶۴ است. همچنین مقدار $F = 18$ در سطح معنی داری ۰/۰۱ نشان دهنده برآزش بالای مدل در تبیین تغییرات متغیر وابسته است. ضریب تعیین استاندارد شده برای این مدل ۳۹ است؛ به عبارتی، متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۳۹٪ تغییرات متغیر وابسته یعنی مشارکت در تعاونی‌های کشاورزی را تبیین نمایند. مقدار ضریب همبستگی چندگانه برای مشارکت اعضای تعاونی‌های صنعتی ۶۰ و مقدار ضریب تعیین ۳۵ می‌باشد مقدار F برای تعاونی‌های صنعتی (۲۶) در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است که این امر نشان از ارزش بالای مدل در تبیین میزان مشارکت در تعاونی‌های صنعتی دارد. در کل، مدل توانسته است ۳۵ درصد مشارکت در تعاونی‌های صنعتی را تبیین نماید. در مقام مقایسه باید گفت که متغیرهای منتخب توانسته‌اند درصد بالایی از پراکندگی میزان مشارکت در تعاونی‌های کشاورزی نسبت به تعاونی‌های صنعتی را برآورد کنند.

بررسی ضرایب رگرسیونی برای متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیون نشان می‌دهد که در بین متغیرهای مستقل، سرمایه اجتماعی بیشترین تأثیر مثبت و معنی دار را در مشارکت اعضای تعاونی‌های کشاورزی و صنعتی دارد بدین معنی که یک واحد تغییر در شاخص سرمایه اجتماعی باعث ۰/۴۲۲ واحد تغییر در متغیر مشارکت در تعاونی‌های کشاورزی و ۰/۳۵۰ واحد تغییر در تعاونی‌های صنعتی می‌شود. بیشترین مقدار t نیز برای این متغیر به دست آمد که نشان دهنده اهمیت بیشتر حضور سرمایه اجتماعی در مدل و در مقایسه با متغیرهای دیگر است، ضمن اینکه مقدار ۵/۹ و $t = 6/25$ در سطح خطای ۰/۰۱ معنی دار است. پس از متغیر سرمایه اجتماعی، متغیرهای ذهنیت وابسته به دولت، باورهای مشترک اعضای تعاونی، میزان سود دریافتی اعضا از تعاونی، و پایگاه اجتماعی اقتصادی بیشترین سهم معنی دار و مثبت را در تبیین تغییرات مشارکت در تعاونی‌ها کشاورزی استان تهران دارند. در مورد تعاونی‌های صنعتی نیز چنان که اطلاعات جدول نشان می‌دهد، وضعیت چندان متفاوت نیست. در این گروه، پس از متغیر سرمایه اجتماعی،

متغیرهای پایگاه اجتماعی، باورهای مشترک، سود دریافتی از تعاونی و ذهنیت وابسته به دولت و ذهنیت وابسته به دولت به ترتیب بیشترین تأثیر را در میزان مشارکت در تعاونی های صنعتی دارند. بنابراین، تفاوت عمده در بین دو گروه در تأثیر معنی دار متغیر ذهنیت وابسته به دولت در تعاونی های کشاورزی است که در تعاونی های صنعتی این متغیر تأثیر معنی داری ندارد.

نتیجه گیری

در این تحقیق مشاهده شد که مشارکت در تعاونی های کشاورزی استان تهران رضایت بخش نیست و در کل این مشارکت چه در بخش صنعت و چه در بخش کشاورزی در حد پایین تر از متوسط است و قابل تأمل تر اینکه در تعاونی های کشاورزی مشارکت بسیار کمتر از تعاونی های صنعتی می باشد.

با توجه به تأثیر مثبت و تعیین کننده عوامل اجتماعی و به ویژه مؤلفه های سرمایه در مشارکت در تعاونی های کشاورزی می توان اذعان داشت که آن دسته از نظریه های مشارکت که بر نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت تأکید دارند در تبیین یافته های تحقیق حاضر کاربرد خواهند داشت. مؤلفه های سرمایه اجتماعی، یعنی روابط اجتماعی و اعتماد، در تشکیل گروه های انسانی و ایجاد و تداوم تعامل اجتماعی نقش اساسی دارند و به طور سنتی، کشاورزی نیازمند وجود چنین تعاملات و روابطی است.

به علت پراکندگی جغرافیایی و قوم گرایی، جوامع روستایی به طور سنتی تمایل زیادی به قطاعی شدن دارند. تعاونی های کشاورزی با افزایش سرمایه اجتماعی فراگروهی بین کشاورزان و مشارکت بیشتر آنان به صورت غیرمستقیم می توانند از چنین وضعیتی جلوگیری نمایند. قطاعی بودن جوامع روستایی و نبود مشارکت فعال در آن ها، ذهنیت وابسته به دولت و به تبع آن تصدیگری دولتی را تقویت می کند. همچنین همان طور که یافته ها نشان داد، ذهنیت وابسته به دولت نقش مهمی در کاهش مشارکت های مردمی در تعاونی ها دارد. چنین وضعیتی در تعاونی های

کشاورزی، که در مناطق روستایی هستند، بیشتر به چشم می خورد تا در تعاونی های صنعتی که بیشتر در مناطق شهری هستند. بالا بودن سطح ذهنیت وابسته به دولت در بین روستاییان در کنار عوامل دیگری مثل ضعف روابط اجتماعی، خویشاوندگرایی، پراکندگی جغرافیایی، موفق نبودن بسیاری از تعاونی های کشاورزی و نبود جامعه مدنی نقش مهمی در بی میلی اعضای تعاونی ها به مشارکت فعالانه در امور تعاونی دارد. نکته دیگر اینکه دریافت سود بیشتر به افزایش مشارکت منجر می شود. این یافته از دلالت های نظریه انتخاب عقلانی حمایت می کند، چرا که افراد وقتی پاداش بیشتری از مشارکت به دست می آورند به ادامه آن تمایل فراوان تری می یابند.

در کل می توان چنین گفت که مشارکت در تعاونی های تولیدی کشاورزی و صنعتی به طور هم زمان و به صورت تعاملی از چند دسته عوامل تأثیر می پذیرد: دسته اول عوامل ساختاری کلان هستند، دسته دوم عوامل سطح میانه یا سازمانی هستند و دسته دیگر عواملی هستند که در حوزه فردی کنشگر می توان در مورد آنها بحث نمود. در حوزه ساختاری، وجود شبکه روابط و پیوند ها به عنوان عوامل عینی و اعتماد و باورهای مشترک به عنوان عوامل ذهنی قابل بحث هستند. در واقع، چنان که یافته های تحقیق نشان می دهد، پدیده مشارکت در تعاونی های تولیدی بیشتر از عوامل دیگر تحت تأثیر عوامل ساختاری است که این عامل خود به دو گروه عوامل عینی و ذهنی تقسیم شده است.

دسته دوم عوامل سازمانی یا میانه هستند. در این گروه، عوامل عینی مثل سبک مدیریت و رابطه با دولت و عوامل ذهنی مثل ادراک عدالت، آگاهی از اصول تعاونی و میزان ذهنیت وابسته به دولت اعضای تعاونی، جای می گیرند.

دسته سوم عوامل فردی یا سطح خرد هستند. این عوامل شامل متغیرهای روان شناختی اجتماعی مثل روحیه کارآفرینی، مسئولیت پذیری، سن، جنسیت، مدت عضویت و سود دریافتی از تعاونی هستند. یافته های حاصل از آزمون های دو متغیره، چندمتغیره و تحلیل مسیر نشان داد در بین عوامل مذکور، محوریت بر شبکه پیچیده ای از پیوندها، روابط، اعتماد و باورهای مشترک

استوار است که در قالب عوامل اجتماعی-فرهنگی از آنها بحث شد. هسته اصلی این عوامل را سرمایه اجتماعی می‌سازد. سایر عوامل با اینکه به صورت مستقیم بر میزان مشارکت در تعاونی‌های تولیدی اعم از کشاورزی و صنعتی تأثیر می‌گذارند، ولی به صورت پیچیده ای در تعامل با این عامل اصلی هستند.

پیشنهادها

مهم‌ترین یافته ارزشمند مقاله حاضر این بود که مشارکت در تعاونی‌های کشاورزی و به طبع، موفقیت آنها از عوامل اجتماعی (مثل سرمایه اجتماعی، باورهای مشترک و پایگاه اجتماعی) تأثیر زیادی می‌پذیرد و شایسته است با توجه به نقش ارزشمند تعاون در رونق بخش کشاورزی، به بررسی علمی عوامل مذکور توجه شود. بدین منظور پیشنهاد می‌گردد در سیاست‌های کلان کشور در زمینه تناسب برنامه‌های اقتصادی دولت با بخش تعاون بازاندیشی شود و بخش تعاون به عنوان زمینه‌ای برای تقویت روحیه مشارکت و سرمایه اجتماعی در روستاهای کشور در نظر گرفته شود. همچنین از ظرفیت‌های علمی و پژوهشی نهادهای مختلف در زمینه تعاون استفاده گردد و به نقش آموزش‌های نوین در تعاونی‌ها توجه شود. از آنجا که سامانه واحد و جامعی برای جمع‌آوری، انتقال، انتشار و اشتراک اطلاعات در بین تعاونی‌های کشور وجود ندارد، تجارب اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی تعاونی‌های موفق به سختی در اختیار دیگر تعاونی‌ها قرار می‌گیرد و پژوهش در زمینه تعاون دشوارتر می‌گردد. همچنین پیشنهاد می‌گردد به تعاونی‌ها در زمینه هماهنگی با اجتماع محلی کشاورزان و چگونگی بهره‌برداری از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های اجتماع محلی آموزش‌ها و حمایت‌های لازم ارائه شود.

تأثیر مثبت باورهای مشترک و آگاهی از اصول تعاون نشان داد که افزایش آگاهی کشاورزان و روستاییان از فلسفه و اصول تعاونی می‌تواند به شکل‌گیری باورهای مشترک در مورد کارآمدی و قابلیت مشارکت‌های تعاونی در بخش کشاورزی در بین روستاییان منجر شود. از

این رو، پیشنهاد می شود نسبت به افزایش اطلاعات روستاییان از تعاون از طریق برنامه های مختلف و رسانه ها اقدام شود.

منابع

۱. ازکیا، م. و غفاری، غ. ر. (۱۳۸۴). *جامعه شناسی توسعه*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات کیهان.
۲. اطهری، ز. و علی بیگی، ا. ح. (۱۳۸۹). تحلیل ادراک کشاورزان شهرستان کرمانشاه از تعاون. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۲ (۴۱)، ۵۶۵-۵۷۶.
۳. انصاری، ح. (۱۳۸۱). *پژوهشی در تعاونی های روستایی ایران: مطالعه موردی شرکت تعاونی روستایی شباهنگ شهریار*. مؤسسه تحقیقات تعاونی. قم: انتشارات ام اییها.
۴. انصاری، ح. (۱۳۸۲). *بررسی راهکارهای توسعه و ترویج مشارکت های مردمی و فرهنگ کار جمعی در جامعه از طریق تشکل های تعاونی (طرح پژوهشی ملی)*. تهران: وزارت تعاون و مؤسسه تحقیقات تعاونی دانشگاه تهران.
۵. آذری، ل.، هوشمند، م. و نقوی، س.س. (۱۳۸۸). *سنجش رضایتمندی از فعالیت شرکتهای تعاونی مرزنشینان استان خراسان رضوی*. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۲ (۲)، ۸۷-۱۱۱.
۶. بلکبرن، د. (۱۳۸۰). *بنیانها و تحول فعالیتها در ترویج کشاورزی*. ترجمه حسینی. تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
۷. پیش بین، ا. (۱۳۹۱). *بررسی نقش عوامل محیطی بر گرایش کارآفرینی در تعاونی های دامپروری ایران*. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران* ۲ (۳)، ۴۹۷-۵۰۹.
۸. راش، م. (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست، مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: سمت.
۹. ساریخانی، ن. و طه، م. (۱۳۸۲). *میزان مشارکت زنان در شرکتهای تعاونی روستایی و شناخت عوامل مؤثر بر آن (قسمت اول)*. *نشریه اقتصاد تعاون*، ۵ (۱۴۳)، ۴۷-۵۴.

۱۰. شارع پور، م. (۱۳۸۶). جامعه شناسی آموزش و پرورش. چاپ چهارم. تهران: انتشارات سمت.
۱۱. شایان مهر، ع. ر. (۱۳۷۷). *دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی (کتاب اول)*. چاپ پنجم. تهران: انتشارات کیهان.
۱۲. رحمانی فیروزجاه، ع. و سهرابی، س. (۱۳۹۰). نقش تعاونی در تشکیل و تقویت سرمایه اجتماعی. مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی ظرفیت های بخش تعاون در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی. وزارت تعاون.
۱۳. شهپازی، ا. (۱۳۸۱). *ترویج و توسعه روستایی*. چاپ اول. تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. صبوری، م. ص. (۱۳۸۴). *بررسی تأثیر آموزش در ارتقای بهره‌وری اعضای تعاونی‌های کشاورزی*. کنفرانس تعاون، اشتغال و توسعه. دانشگاه یزد.
۱۵. ضیائی، م. ص.، منوریان، ع. و کاظمی، ا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان آمادگی سازمانی برای استقرار مدیریت دانش. *مدیریت دولتی*، ۳(۸)، ۱۷۹-۱۹۸.
۱۶. طلایی، آ. (۱۳۹۱). *نقش ترویج و آموزش کشاورزی در مسیر شکوفایی و تکامل تعاونی‌ها*. کنفرانس تعاون، اشتغال و توسعه. دانشگاه یزد.
۱۷. گیاثوندغیائی، ف. (۱۳۹۰). *تحلیل موانع و محدودیتهای توسعه اشتغال در تعاونیهای تولیدی کشاورزی ایران*. کنفرانس تعاون، اشتغال و توسعه. دانشگاه یزد.
۱۸. فیلد، ج. (۱۳۸۶). *سرمایه اجتماعی*. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رمضانی. چاپ اول. تهران: انتشارات کویر.
۱۹. کلباسی، ع. ا. (۱۳۶۸). *نقش تعاونی‌ها در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد. دانشکده اقتصاد و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق.
۲۰. کلمن، ج. (۱۳۷۷). *بنیان‌های نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری. چاپ اول. تهران: نشر نی.
۲۱. گیلدنز، آ. (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه محسن ثلاثی. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.

۲۲. نکویی نائینی، ع.، علی بیگی، ا. ح. و زرافشانی، ک. (۱۳۸۸). واکاوی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونیهای روستایی شهرستان کرمانشاه. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۲(۴)، ۱-۲۲.
۲۳. نوذر پور، ع. (۱۳۸۰). یادداشت سردبیر (سرمقاله). فصلنامه مدیریت شهری، ۵(۲): ۳-۶.
۲۴. هزار جریبی، ج. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی شهروندان. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۰(۴)، ۴۴-۶۵.
25. Bhuyan, S . (2000). *Grower and manager issues in fruit and vegetable cooperatives*. Annual Meeting. <http://www.agecon.kus.edu/acc/ncr194>.
26. Bhuyan, S. (1998). Potential role of nonagricultural cooperatives in rural development. *Econ. Journal of Research Report*, 383, 65-74.
27. Carlo R., Weatherspoonb, D., Petersonb, C. & Sabbatinia, M. (2000). Effects of managers power on capital structure: A study of Italian agricultural cooperatives. *International Food and Agribusiness Management Review*, 3, 27-39.
28. John, L., Adrian J., & Green T.W. (2001). Agricultural Cooperative managers and the business environment. *Journal of Agribusiness*, 19(1), 17-33.
29. Knudson, W., Wysocki, A., Champagne, J., & Christopher, H. (2004). Entrepreneurship and innovation in the agrifood system. *American Journal of Agricultural Economics* 86(5), 1330-1336.
30. Krause, D., & Handfield, R.(2006). The relationships between supplier development ,Commitment, social capital, accumulation and performance improvement. *Journal of Operations Management*, 16(5), 405-415.

31. Kuntoro, B. A. (2006). Analysis on characteristics of three dairy cooperatives sampled in East Java. *Journal of Applied Sciences*, 6. (4), 757-761.
32. Lerner, D. (1964). *The passing of traditional society*. New York: The Macmillian Com.
33. Onyeiwu, S., & Jones, R. (2003). An institutionalism perception of cooperative behavior. *Journal of Socio-Economics*, 32, 233-248.
34. Roling, N. (2003). *Extension Science: Information system in agricultural development*. Cambridge: Cambridge University Press.
35. Scrimgeour, F., McDermott, A., Saunders, C., Shadbolt, N., & Sheath, G. (2006). *New Zealand gribusiness Success: An Approach to exploring the role of strategy, structure and conduct on firm performance*. Paper resented at to New Zealand Agricultural and Resource Economics Society, August 2006 Conference 25-27.
36. Shufang, Z., Leonard P. (1998). *Co-operative organization in rural Canada and the agricultural co-operative movement in China: A comparison center for the study of Co-operatives* University of Saskatchewan, Saskatoon, SK.

Investigating the Social Factors that Influence Participation in Agricultural Cooperatives and Comparison with Industrial Cooperatives in Tehran Province

H. Ansari¹, M. Jourablou^{2*}, N. Pourafkari³, A. Hashemianfar⁴

Received: 07/09/2014 Accepted: 08/02/2015

Abstract

This main purpose of this study was to investigate the factors that influence the participation in agricultural cooperatives and comparing with industrial cooperatives in Tehran province. Using survey method the data collected by administrating self-constructed questionnaire. The population of this study included all the members of the cooperatives in Tehran province 16,960. Using Multi-stage cluster sampling 400 members were randomly selected to answer the questionnaires. Findings indicated that the mean average of participation for all respondents were 46 on a scale from zero to hundred. Also, mean average of participation for members of agricultural cooperatives was 37. Also it was found that the social capital, the shared beliefs of members of cooperatives, the amount of dividends received from cooperatives, the amount of awareness from cooperative principles, the amount of mental dependence to state union and the social statuses had significant relation with participation of all members of productive cooperatives. Also, regression analysis showed that all independent variables had significant effect on the variance of participation for all members of productive cooperatives with 39% coefficient. The results were explained by applying implications of sociological theories of participation and theories of social capital.

Keywords: Participation, Social Capital, Agricultural Cooperatives, Industrial Cooperatives, Shared Beliefs, Awareness

1. Associate Professor, Department of Planning and Social Welfare, University of Tehran, Iran

2. Former PhD Student, Department of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran

* Corresponding Author

E-mail: mjourablou@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of Sociology, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran

4. Assistant Professor, Department of Sociology, University of Isfahan, Isfahan, Iran